

A comparative study of interpretation from the point of view of Allameh Tabatabaei, may Allah bless him and grant him peace

(Received: 2023-5-18 Accepted: 2023-7-8)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.2021.6.6.5.2>

shah ali, maryam¹

Abstract

Taweel as one of the terms of Quranic science has long been mentioned in religious and Quranic texts and there are various opinions and opinions about this term. There are different opinions about the meaning of interpretation, which is very important in understanding the Holy Quran and its truth. Among the commentators who have addressed this issue; Allameh Tabatabai and Allameh Javadi Amoli. This research compares the views of Allameh Tabatabai and Allameh Javadi Amoli. Allameh Tabatabai believes; Interpretation is not like the concepts of words; Rather, it is a real truth that the statements of the Holy Qur'an, such as rulings, wisdoms, and sermons, are based on, and all the verses of the Qur'an have interpretations, and it is the vessel for its appearance on the Day of Judgment. Allameh Javadi Amoli accepts his opinion about interpretation; But they believe that those who are strong in science can achieve its truth to some extent in this world, and its complete appearance will be in the Day of Resurrection. This research deals with this issue in a descriptive and analytical way.

Key words: interpretation, Qur'an, Allameh Tabatabaei, may God have mercy on him, Allameh Javadi Amoli, may God protect him

¹ Student of level Four seminary. Jamiat_al_Zahra. M93.shahali@gmail.com





نوع مقاله: پژوهش

بررسی تطبیقی تأویل از دیدگاه علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۱/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۱۷)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.2021.6.6.5.2>

شاه علی، مریم^۱

چکیده

تأویل به عنوان یکی از اصطلاحات علوم قرآنی از دیرباز در متون دینی و قرآنی مطرح بوده است و آراء و نظرات گوناگونی درباره این واژه وجود دارد. درباره‌ی معنای تأویل که در فهم قرآن کریم و حقیقت آن از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، نظرات مختلفی وجود دارد. از جمله مفسرانی که به این موضوع پرداخته‌اند؛ علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی می‌باشند. این پژوهش به بررسی تطبیقی دیدگاه علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی می‌پردازد. علامه طباطبایی معتقدند، تأویل از قبیل مفاهیم الفاظ نیست؛ بلکه حقیقتی واقعی است که بیانات قرآن کریم از قبیل احکام و حکمت‌ها و موعظه‌ها مستند به آن است و همه‌ی آیات قرآن تأویل دارد و ظرف ظهور آن در قیامت است. علامه جوادی آملی نظر ایشان را درباره تأویل می‌پذیرند؛ ولی معتقدند راسخان در علم می‌توانند، در این دنیا تا اندازه‌ای به حقیقت آن دست یابند و ظهور تام آن در قیامت است. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی به این موضوع می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: تأویل، قرآن، علامه طباطبایی، علامه جوادی آملی.

^۱ . طلبه سطح ۴ جامعه الزهرا سلام الله علیها قم ایران. M93.shahali@gmail.com

قرآن کریم مانند سایر متون کتب مقدس، همواره مورد توجه پیروان ادیان و پژوهشگران و اندیشمندان بوده است. چگونگی فهم متون دینی همواره مورد توجه دانشمندان علوم دینی بوده است. بحث تفسیر و تأویل قرآن کریم از زمان نزول قرآن مطرح بوده و نظریات متفاوتی درباره‌ی آن مطرح شده است.

نظریات و آراء مختلف در این باره، سبب پیدایش روش های تفسیری و نظریات کلامی گوناگون شده است. بنابراین بحث تأویل از مباحث مبنایی مهم در مباحث علوم قرآنی می باشد. علامه طباطبایی از صاحب نظران در زمینه‌ی تأویل قرآن هستند و بحث مفصلی در تفسیر المیزان ذیل آیه ۷ سوره آل عمران دارند. تأویل از دیدگاه ایشان، حقیقتی واقعی هست که بیانات قرآن از قبیل احکام و حکمت ها و موعظه ها مستند به آن است و همه ی آیات قرآن تأویل دارد و از قبیل مفاهیمی که از الفاظ به ذهن می رسد، نیز نمی باشد؛ بلکه امور عینی است که برتر و متعالی تر از آن است که در قالب الفاظ قرار گیرد و ظرف ظهور آن قیامت است. علامه جوادی آملی نیز بحث مبسوطی در این زمینه دارند و با پذیرش دیدگاه علامه طباطبایی، ظرف ظهور آن را تنها در قیامت نمی دانند و معتقدند راسخان در علم امکان دستیابی به تأویل قرآن را در این دنیا دارند. در این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی می باشد، نظریات علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی به صورت تطبیقی مطرح و بررسی می شود. نظریات علامه طباطبایی درباره‌ی تأویل، در کتب مختلف علوم قرآنی مطرح شده است و در برخی مقالات به صورت تطبیقی با مفسران شیعه و اهل سنت مورد بررسی قرار گرفته است. اما بررسی تطبیقی و مقارنه‌ای بین آراء ایشان و نظریات علامه جوادی آملی به طور مستقل مطرح نشده است. بنابراین این پژوهش به این پرسش پاسخ می دهد که دیدگاه علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی درباره تأویل چیست و این دو دیدگاه چه وجوه اشتراک و افتراقی دارند؟



۲. معنای تأویل

۱،۲. معنای لغوی

در کتاب تهذیب اللغة درباره معنای تأویل می‌نویسد: گفته شده، تأویل از «أَوَّلُ يُؤوَّلُ تَأْوِيلًا» است و ثلاثی آن «أَلَّ يُووِلُّ» به معنای «رَجَعَ و عَادَ» است. «أَلَّتِ الشَّيْءَ: جَمَعَتْهُ و أَصْلَحَتْهُ» و «التَّأْوِيلُ» جمع معانی مشکل با لفظ واضحی که اشکالی در آن نیست. (ر.ک؛ الازهری، بی تا: ۱۵ / ۳۲۹؛ ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۳۲)

مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن می‌نویسد: اصل واحد در این ماده تقدم است، از آن جهت که چیز دیگری بر آن مترتب می‌شود و «التَّأْوِيلُ» چیزی را مقدم کردن تا چیز دیگر بر آن مترتب شود و اعم از مادی و معنوی است و حقیقت آن، غرض و مقصودی است که رتبنا و معنی مقدم شده که بر آن آثاری مترتب می‌شود. اطلاق کلمه تأویل بر معنای غایی و مقصود نهایی نیز به همین لحاظ است. (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱ / ۱۸۹)

و در قاموس قرآن آمده است: «تأویل واقع و خارج یک عمل و یک خبر است که گاهی به صورت علت غائی و نتیجه و گاهی به صورت وقوع خارجی متجلی شده و به عمل و خبر بر می‌گردد. (قرشی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۴۱)

بنابراین واژه تأویل در اصل از «اول» و به معنای رجوع به چیزی است. و تأویل در اصل به معنای بازگرداندن به اصل است. چه غرض و غایت باشد و چه واقعیت خارجی باشد.

۱،۲. معنای اصطلاحی تأویل

مرحوم طبرسی می‌فرماید: تأویل عبارت است از برگرداندن به یکی از معانی احتمالی کلام، به آن چه با ظاهر لفظ مطابقت دارد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۱۳)

ذهبی می‌گوید: تأویل نزد متقدمان دو معنای اصطلاحی و در نظر متأخران یک معنای اصطلاحی دارد: ۱. تفسیر کلام و بیان معنای آن، چه موافق ظاهر کلام باشد یا مخالف آن باشد. (طبق این معنا

تفسیر و تأویل به یک معنا است) ۲. مراد کلام؛ اگر کلام طلب باشد، تأویل کلام خود آن عمل طلب شده است و اگر کلام خبر باشد، تأویل کلام خود آن چیزی است که از آن خبر داده می‌شود. ۳. تأویل در نظر متأخران عبارت است از، برگرداندن لفظ از معنای راجح به مرجوح به سبب یک دلیلی که همراه کلام است. (ر.ک؛ ذهبی، ۱۳۹۶: ۱۸/۱-۱۷)

آیت الله معرفت دو معنا برای تأویل می‌کنند: ۱. تأویل به معنای توجیه متشابه است. چه کلام متشابه باشد یا عملی باشد که شک و شبهه در آن است. تأویل به این معنا مخصوص آیات متشابه است. ۲. معنای ثانوی برای کلام، که از آن تعبیر به بطن می‌شود؛ در مقابل معنای اولی که از آن تعبیر به به ظاهر می‌شود. تأویل به این معنا شامل همه آیات قرآن می‌شود. (ر.ک؛ معرفت، ۱۴۲۶: ۱/ ۴۸۳-۴۸۲)

ابن تیمیه، تأویل را این گونه معنا می‌کند: تأویل نفس وجود خارجی اشیاء است؛ چه در گذشته اتفاق افتاده و تحقق خارجی یافته باشد و یا در آینده محقق شود. (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۳۲۸: ۲۸)

علامه طباطبایی می‌نویسد: «فتأویل المتشابه هو المرجع الذی یرجع إلیه، و تأویل القرآن هو المأخذ الذی یأخذ منه معارفه» تأویل متشابه، مرجعی است که به آن باز می‌گردد و تأویل قرآن مأخذی است که معارف قرآن از آن گرفته شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳/۲۳) و پس از نقل نظرات مختلف درباره معنای تأویل می‌نویسد: تأویل اختصاص به آیات متشابه ندارد و شامل همه آیات قرآن می‌شود و آیات محکم هم مانند آیات متشابه تأویل دارد. و تأویل از سنخ مفاهیمی که مدلول الفاظ است نمی‌باشد، بلکه از سنخ امور خارجی عینی هست. (همان: ۲۸-۲۷) و ظرف ظهور آن قیامت است. و این که گفته می‌شود، آیات دارای تأویل است، از قبیل وصف به حال متعلق است و این که آیات دارای معنای مخالف ظاهر هستند، استعمالی است که بعد از نزول قرآن ایجاد شده است و دلیلی وجود ندارد که بگویم مراد خداوند از تأویل آیات همین معنا باشد. (همان: ۴۹)

علامه جوادی آملی در معنای اصطلاحی تأویل می‌فرماید: همه قرآن، محکمت و متشابهات آن، تأویل دارند و تأویل از سنخ مفاهیم لفظی نیست، بلکه حقیقتی است خارجی و در آیات قرآن به معنای تحقق عینی قول، فعل، یا رؤیا می‌باشد و برپایه برخی روایات، بخشی از آن در همین دنیا و در زمان حضور



حضرت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه) ظهور می کند و بعضی دیگر در برزخ؛ ولی تمام آن به صورت کامل، که عین وجود خارجی قرآن است، در قیامت ظهور می کند. (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۳/۱۶۲-۱۶۰ و همان، ۲۹: ۱۳۹۲/۷۳-۷۲)

نتیجه آن که اصطلاح تأویل از دیدگاه قدما با دیدگاه کنونی فرق دارد. برخی تأویل را همان تفسیر می دانند و برخی مراد کلام را تأویل آن می دانند و برخی برگرداندن لفظ از معنای راجح به مرجوح می دانند. ولی با کمی دقت به کاربردهای تأویل در آیات قرآن کریم به دست می آید، تأویل قرآن از سنخ الفاظ و مفاهیم نیست، بلکه تأویل آیات، حقیقت عینی خارجی است، که معارف قرآنی از آن سرچشمه می گیرد.

۳. معنای تأویل از منظر علامه طباطبایی

علامه طباطبایی رحمه الله علیه از جمله افراد صاحب نظر در مسئله تأویل است و بحث مبسوطی درباره تأویل و موارد کاربرد آن و معنای آن دارد. ایشان درباره معنی تأویل می فرماید: «تأویل از "اول" به معنای رجوع است. تأویل متشابه یعنی مرجعی که متشابه به آن برمی گردد و تأویل قرآن یعنی مأخذی که معارف قرآن از آن گرفته می شود.» ایشان از ابتدا بین تأویل متشابه و تأویل قرآن فرق قائل می شوند و به این مطلب رهنمون می شوند که کل قرآن دارای تأویل است. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳/۲۳)

علامه طباطبایی برای تبیین مطلب ابتدا معانی تأویل را در آیات قرآن کریم بیان می کند. «ولقد جئناهم بكتاب فصلناه علی علم هدی ورحمه لقوم یؤمنون* هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله ..؛ ما کتابی برای آن ها آوردیم که آن را با آگاهی شرح دادیم؛ (کتابی) که مایه هدایت و رحمت برای جمعیتی است که ایمان می آورند. آیا آن ها جز انتظار تأویل آیات دارند؟ آن روز که تأویل آن ها فرا رسد،» (اعراف/ ۵۲-۵۳) در آن روز حقیقت همه آن معارفی که انبیا آورده اند، ظاهر می شود. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴/۳) در قصه حضرت موسی و خضر علیهما السلام «سأنبئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرا؛ اما به زودی راز آن چه را که نتوانستی در برابر آن صبر کنی، به تو خبر می دهم» (کهف/ ۷۸) آن چیزی که حضرت خضر به حضرت موسی علیهما السلام خبر می دهد، صورت ها و عناوین فعلش است که ایشان از آن غافل بوده و چیز دیگری را به جای آن صور و عناوین تلقی کرده که موجب اعتراض او هم شد. و تأویلی که به آن خبر می دهد، صورت و عنوان واقعی آن چیز است؛ مانند زدن کودک که برای تأدیب

اوست. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۵/۳) ایشان می‌فرماید: تاویل در عرف قرآن عبارت است از حقیقتی که شیء متضمن آن است و وجودش مبتنی بر آن و برگشتش به آن است، مانند تاویل خواب که به معنای تعبیر آن است، و تاویل حکم که همان ملاک آن است، و تاویل فعل که عبارت از مصلحت و غایت حقیقی آن، و تاویل واقعه علت واقعی آن است. (همان: ۳۴۹/۱۳)

در سوره یوسف علیه السلام « ورفع أبویه علی العرش وخرأ له سجدا وقال یا أبت هذا تأویل رعیای من قبل قد جعلها ربی حقاً؛ و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند؛ و همگی به خاطر او به سجده افتادند؛ و گفت: «پدر! این تعبیر خوابی است که قبلاً دیدم؛ پروردگارم آن را حق قرار داد!» (یوسف/ ۱۰۰) تاویل خواب حضرت یوسف علیه السلام به سجده والدین و برادرانش، اگر چه رجوع است؛ اما رجوع مثال به ممثل است. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۶/۳) و در آیات ۴۳ تا ۴۸ سوره یوسف علیه السلام و در جریان خواب پادشاه مصر و تعبیر خواب، توسط حضرت یوسف علیه السلام و همچنین تعبیر خواب زندانی‌ها توسط حضرت یوسف علیه السلام و در آیات «ويعلمک من تأویل الأحادیث؛ و از تعبیر خوابها به تو می‌آموزد.» (یوسف/ ۶) و در آیات مشابه (یوسف/ ۲۱ و یوسف/ ۱۰۱)، تاویل خواب‌هایی که دیده و حوادثی که رؤیا به آن بر می‌گردد، در واقع صورت و مثالی است که متناسب با خواب است. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۶/۳) ایشان در ذیل آیه ۶ سوره یوسف می‌فرماید: تاویل، امری است که رؤیا به آن منتهی می‌شود و به دنبال خواب می‌آید. و آن حقیقتی است که در عالم خواب برای صاحب رؤیا مجسم شده، در شکل و صورتی مناسب با مدارک و مشاعر وی رخ می‌نماید، هم چنان که سجده پدر و مادر و برادران یوسف در صورت یازده ستاره و ماه و خورشید مجسم شده و در برابر وی سجده کردند. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸۰/۱۱-۷۹)

در آیاتی که در مورد قیامت است؛ « بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه ولما یأتهم تأویله؛ بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است!» (یونس/ ۳۹) و « هل یظنون إلا تأویله یوم یأتی تأویله؛ آیا آن‌ها جز انتظار تاویل آیات (و فرا رسیدن تهدیدهای الهی) دارند؟ آن روز که تاویل آن‌ها فرا رسد،» (اعراف/ ۵۳) دلالت دارند بر این که مشاهده و وقوع خبرهایی که کتب آسمانی و انبیای الهی از روز قیامت می‌دهند، از نوع مشاهده حسی نیست؛ همان طور که نظام حاکم بر آن دنیا غیر از چیزی است که ما در این دنیا داریم. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷/۳). ایشان می‌



فرماید: آیه شریفه، دلیل ایمان نیاوردن و تکذیب قرآن توسط کافران رابیان می کند. آنان چون به معارف حقیقی و علوم واقعی که در قرآن است، آگاهی ندارند و فهم آگاهی آن ها گنجایش درک و فهم آن را ندارد، و تأویل آن هنوز برای آن ها نیامده بود، آن را تکذیب می کردند و هنگامی که تأویل آن را دریافتند، ناگزیر از تصدیق آن شدند. (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۰/ص ۶۶)

ایشان در جمع بندی معنای تأویل در آیات قرآن کریم می فرماید: منظور از تأویل در عرف قرآن آن حقیقتی است که معنایی از معانی از قبیل احکام، یا معارف و یا قصص و یا غیر این ها به آن حقیقت تکیه دارد، حقایق واقعی ای که خود از قبیل معنای الفاظ نیست. و همه ی قرآن و معارف و احکام و اخباری که در قرآن هست و غیر این ها، هر چه که در قرآن کریم آمده، تاویلی دارد. (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۰/ص ۶۶) و تأویل اختصاص به آیات متشابه ندارد، و همه ی آیات قرآن تأویل دارد. همچنین تأویل از سنخ مفاهیم که مدلول لفظ هستند نیست، بلکه امر خارجی عینی هستند. و اتصاف آیات به این که دارای تأویل هستند، وصف خود آیات نیست، بلکه وصف متعلق آیات است. (همان: ۳/۲۷)

۱.۳. اقوال مفسران در معنای تأویل

علامه طباطبائی چهار قول از مفسران در معنای تأویل بیان می کند و سپس به نقد آن ها می پردازد.

۱. تأویل به معنای تفسیر است؛ بنابراین تأویل در آیه ۷ سوره آل عمران معنایی است که از آیه متشابه اراده شده باشد. و بنا بر این قول، فقط خدا و یا خدا و راسخان در علم به آن علم دارند. (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳/۴۴)

۲. تأویل معنای مخالف ظاهر لفظ است. و تأویل در این معنا شایع شده است؛ به طوری که گویا حقیقت در این معنا شده است؛ با این که معنای لغوی آن ارجاع یا مرجع است. (همان)

۳. معنای باطنی لفظ که در طول معنای ظاهری آن قرار دارد و از لوازم معنای لفظی که مترتب بر یکدیگرند، می باشد که فقط خدا و یا خدا و راسخان در علم به آن آگاه هستند. طبق این دیدگاه آیه متشابه معنای متعددی دارد که بعضی از این معانی تحت معانی دیگر هستند. (همان)

۴. قول ابن تیمیه : تأویل از قبیل معانی که از لفظ اراده می‌شود، نیست؛ بلکه امر عینی است که کلام متکی بر آن است. و اگر کلام حکم انشایی مثل امر و نهی باشد، تأویل آن مصلحتی است که موجب انشاء حکم شده است. مانند «أقیموا الصلوة» (بقره/۴۳) تأویلش همان حالت نورانی خارجی است که قائم به نفس مصلی است و او را از ارتکاب فحشا و منکر باز می‌دارد. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۳/ص ۴۵) و اگر کلام خبری باشد و اخبار از حوادث گذشته باشد، تأویل آن، حادثه ای است که در گذشته اتفاق افتاده است و اگر اخبار از حوادث حال و آینده باشد، دو قسم می‌شود: اگر از امور حسی یا اموری باشد که عقل درک می‌کند، تأویل آن همان قضیه‌ی واقعی است که در خارج می‌باشد. مانند آیات «غلبت الروم» فی أدنی الأرض وهم من بعد غلبهم سیغلبون* فی بضع سنین...؛ رومیان مغلوب شدند (شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد؛ اما آنان پس از مغلوبیت به زودی غلبه خواهند کرد، در چند سال» (روم/۴-۲) و اگر از امور مستقبلی باشد که قابل حس و درک عقلی نباشد، مثل امور مربوط به قیامت، سوال و جواب قیامت و .. و یا امور خارج از سنخ زمان و ادراک عقول باشد؛ مانند حقیقت صفات و افعال خداوند متعال، تأویل آن، همان حقایق خارجی آن هاست. و فرق این دو دسته این است که قسم اول امکان حصول علم به آن وجود دارد ولی قسم دوم خیر و تأویل آن را فقط خداوند متعال یا کسانی که خداوند به قدر سعه عقول آن‌ها به آن‌ها تعلیم داده است، می‌دانند. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۵/۳)

۲،۳. رد اقوال مفسران

علامه طباطبایی ابتدا یک جواب کلی در رد نظریات چهارگانه مطرح می‌نماید و سپس به طور تفصیلی اشکالات هر قول را بیان می‌کند: به طور کلی این اقوال رد می‌شود؛ تأویل آیه مفهومی از مفاهیمی که آیه بر آن دلالت می‌کند نیست، چه مخالف ظاهر آیه باشد یا موافق آن باشد؛ بلکه تأویل از قبیل امور خارجی است؛ ولی نه هر امر خارجی بلکه امر خارجی که نسبتش به کلام نسبت ممثل به مثل و باطن به ظاهر است. (همان: ۴۶)

اما اشکال قول اول این است که حداقل چیزی که ما ملتزم به آن می‌شویم، این است که بعضی از آیات قرآن است که تأویل یعنی تفسیر و مراد از مدلول لفظ آن قابل فهم عمومی نیست، در صورتی که



در قرآن آمده است که قرآن نازل شده است تا افهام آن را درک کند و این که فتنه انگیزی در آیه ۷ سوره آل عمران، مخصوص متشابهات شمرده شده است و طبق این قول فقط شامل حروف مقطعه می‌شود، در حالی که بیشتر فتنه هایی که در اسلام به وجود آمده است، به خاطر پیروی از علل احکام و آیات صفات، ایجاد شده است. (همان: ۴۷)

ایشان در رد قول دوم می‌فرمایند: نتیجه این قول این می‌شود که بین آیات قرآن اختلافی است که جز با صرف بعضی از آیات از معنای ظاهری به معنایی که عموم مردم نمی‌فهمند، رفع نمی‌شود. و این مطلب باعث بطلان احتجاجی می‌شود که در آیه «أفلا يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافًا كثيرًا؛ آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند.» (نساء/۸۲) است. زیرا اگر رفع اختلاف دو آیه با هم دیگر، این گونه از بین می‌رود که بگوییم یکی از دو آیه یا هر دو آیه معنای غیر ظاهر لفظ منظور است، حجیت آیه از بین می‌رود؛ زیرا در این صورت، هر کلامی حتی کلام دروغ و لغو را با حمل بر خلاف ظاهر و تأویل می‌توان به صدق و حق برگرداند. اختلاف نداشتن قرآن به این معنا هیچ دلالتی ندارد بر این که این کتاب از ناحیه خداست و از اختلاف و تعارض و تناقض مصون است؛ بنابراین آیه با لسان استدلال و احتجاجی که دارد صریح است در این که قرآن در معرض فهم عامه مرد است و همه می‌توانند در آن تأمل و تدبر و بحث کنند و آیه‌ای در قرآن نیست که معنایی خلاف ظاهر کلام عربی در آن اراده شده باشد. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/۴۷)

در رد قول سوم نیز می‌فرمایند: با این که آیات قرآن مشتمل بر معانی مترتبی است که برخی از این معانی مافوق بعضی دیگر است و کسی نمی‌تواند این حقیقت را انکار کند، اما باید دانست که همه‌ی این معانی خصوصاً معانی که از لوازم معنای تحت اللفظی است، همه مدلول لفظ هستند که میزان فهم مردم با تفاوت هوش و قدرت تدبر افراد متفاوت است و این با وصف تأویل در آیه‌ی «وما يعلم تأویله إلا الله» که خدا و راسخان در علم آن را می‌دانند، سازگاری ندارد. معارف عالی و مسائل دقیق را با کمی تدبر بیشتر می‌توان به دست آورد. چه بسا کسی از تقوا و طهارت نفس برخوردار نباشد، ولی این معانی را درک کند؛ در صورتی که آیه می‌فرماید تنها راسخان در علم، همان کسانی هستند که طهارت نفس دارند، آن‌ها را درک می‌کند. (همان)

علامه درباره ی قول چهارم می‌فرماید: صاحب قول بخشی از سخنش درست و بخشی از سخنش اشتباه است. او درست گفته است که تأویل اختصاص به آیات متشابه ندارد و تمام قرآن دارای تأویل است. و این که تأویل از سنخ مدلول نفسی نیست و امری خارجی است که کلام بر اساس آن بنا شده است. ولی اشتباه او در این جا بوده که هر امر خارجی را مرتبط با مضمون کلام می‌داند؛ حتی مصادیق و اخبار گذشتگان و آینده را مصداق تأویل می‌داند و همچنین در این که آیات متشابه را منحصر به آیات صفات و آیات قیامت کرده است، دچار اشتباه شده است. (همان/۴۸)

مراد از تأویل در « وابتغاء تأویله» یا تأویل قرآن است؛ در این صورت ارجاع ضمیر "ها" در «تأویله» به قرآن با «وما يعلم تأویله إلا الله» نمی‌سازد؛ زیرا بسیاری از تأویلات قرآن مثل قصه ها و احکام و آیات اخلاق از چیز هایی هستند که غیر خدا و غیر راسخین در علم، حتی بیمار دلان هم می‌توانند به آن دست یابند. و اگر مراد از تأویل فقط تأویل متشابه باشد، در این صورت حصر در آیه ی «وما يعلم تأویله إلا الله» درست می‌شود و می‌فهماند که غیر خدا و غیر راسخین در علم، کسی نمی‌تواند و سزاوار نیست که به دنبال تأویل متشابه باشد؛ زیرا غیر این‌ها منجر به فتنه و گمراهی مردم می‌شوند؛ ولی وجهی ندارد که متشابه را به آیات صفات و قیامت منحصر کرد؛ زیرا اگر کسی به دنبال فتنه انگیزی باشد در غیر این آیات مثل آیات محکم هم می‌تواند، این کار را انجام دهد. (همان/۴۹-۴۸)

علامه در رد گفتار این تیمیه در ذیل آیه « وأوفوا الکیل إذا کلتم وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر وأحسن تأویلا؛ و هنگامی که پیمانہ می‌کنید، حق پیمانہ را ادا نمایید، و با ترازوی درست وزن کنید! این برای شما بهتر، و عاقبتش نیکوتر است.» (اسراء/۳۵) که می‌گوید: تأویل، همان مصلحتی است که جامعه مترتب بر آن است که استقامت و استواری جامعه است؛ می‌فرماید: تفسیر ابن تیمیه با ظاهر آیه سازگار نیست؛ زیرا اولاً ظاهر آیه این است که تأویل، امر خارجی و اثر عینی مترتب بر فعل خارجی آن‌هاست، نه مترتب بر آن امر تشریحی؛ بنابراین این که آیات قرآن به این وصف متصف می‌شود که دارای تأویل است، وصف متعلق آن چیز است نه خود آن. ثانیاً تأویل اگر چه مرجع و مآل یک شیء است؛ ولی منظور نوع خاصی از رجوع است نه هر رجوعی. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۵/۳-۲۴)

۳،۳. دیدگاه علامه طباطبایی درباره ی تأویل



علامه تأویل را چنین معنا می‌کند: تأویل حقیقتی واقعی هست که بیانات قرآن از قبیل احکام و حکمت‌ها و موعظه‌ها مستند به آن است و همه ی آیات قرآن تأویل دارد و از قبیل مفاهیمی که از الفاظ به ذهن می‌رسد، نیز نمی‌باشد؛ بلکه امور عینی است که برتر و متعالی‌تر از آن است که در قالب الفاظ قرار گیرد و اگر در قالب الفاظ آورده شده است، برای تقریب به ذهن بشر است و مانند مثل‌هایی است که برای نزدیک کردن ذهن شنونده به مقاصد و اهداف گوینده زده می‌شود، تا مطلب حسب ذهن شنونده روشن شود و در شانزده موردی که در قرآن آمده است، همین معنا مراد است. (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳/ ۴۹)

از نظر علامه تأویل آیه، امر خارجی است که نسبتش به مدلول آیه نسبت ممثل به مثل است؛ بنابراین این امور خارجی هر چند مدلول آیه نیستند؛ ولی نوعی حکایت از آن امر خارجی می‌کند و آن امر خارجی در الفاظ حفظ شده است. نظیر مثل معروف که گفته‌اند: "در تابستان شیر را فاسد کردی" و این را به کسی می‌گویند که اسباب و مقدمات امری را قبل از رسیدن وقت آن از دست داده باشد، این مضمون با مواردی که برای آن مثال می‌زنیم، تطبیق نمی‌کند، و در این موارد هر چند شیری و تابستانی در کار نیست، ولی در عین حال وضع شنونده را در ذهن او ممثل و مجسم می‌کند. بنابراین تأویل حقیقت خارجی‌ای است که موجب تشریح حکمی از احکام یا بیان معرفتی از معارف الهی یا وقوع حادثه‌ای که مضمون قصه قرآنی است، می‌شود، اگر چه امری نیست که لفظ آن تشریح یا بیان و واقعه به طور مطابقی به آن دلالت کند؛ ولی همین که آن حکم و بیان و حادثه، از آن حقیقت خارجی‌ای نشأت گرفته، در واقع اثر آن حقیقت را به نوعی حکایت می‌کند؛ مثلاً وقتی مولا به خادمش می‌گوید که برای من آب بیاور، این فرمان از اقتضای طبیعت انسانی برای کمالش نشأت می‌گیرد؛ پس این حقیقت خارجی است که اقتضای حفظ وجود و بقا را دارد و اقتضای امر به آوردن آب را می‌کند پس همین علتی که از اجزایی تشکیل شده، تأویل فعل یا ترک آن است و این علت قطعاً عین خود آن عمل نیست؛ ولی به وسیله عمل یا ترک آن حکایت می‌شود و با فعل یا ترک متضمن و حافظ آن است. و این مطلب کاملاً با آیه ی «والکتاب المبین * إنا جعلناه قرآنا عربيا لعلکم تعقلون * وإنه فی أم الكتاب لدینا لعلی حکیم؛ سوگند به کتاب مبین، که ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما درک کنید! و آن در «أمّ الكتاب» نزد ما بلندپایه و استوار است!» (زخرف/ ۴-۲) مطابقت دارد. این آیه دلالت بر این

مطلب می کند که قرآنی که نازل شده، امری اعلا و بلند مرتبه تر از آن بوده که عقول بشر به آن دست یابد و جزء جزء شود و تفصیل یابد؛ ولی با توجه به عنایتی که خداوند متعال نسبت به بندگانش دارد، آن را به صورت خواندنی کرد و به صورت عربی نازل کرد، تا بشر آن را که تا کنون در ام الكتاب بود و به آن دسترسی نداشت، را درک کند. آیات «یَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ مَا يُغْنِي عَنْهُ وَاللَّهُ لَهُ الْعِلْمُ كُلُّهُ» (بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ؛ بلکه قرآن با عظمت است که در لوح محفوظ جای دارد!) «(بروج/ ۲۲)، « کتاب احکمت آياته ثم فصلت من لدن حكيم خبير؛ این کتابی است که آیاتش استحکام یافته؛ سپس تشریح شده و از نزد خداوند حکیم و آگاه است.» (هود/ ۱)، دلالت بر این مطلب دارد که قرآن کریم نزد خداوند به صورت جزء جزء نبوده و بعدا به تدریج و آیه آیه نازل شد. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۳/۳-

(۵۲)

نتیجه آن که از آیات شریفه به دست می آید که ورای قرآنی که می خوانیم و در آن تعقل می کنیم، امری دیگر است که به منزله روح برای جسد و ممثل برای مثال است و این همان چیزی است که خداوند آن را کتاب حکیم نامید و همان چیزی است که معارف قرآنی و مضامین آن متکی به آن است و امری است که از سنخ الفاظ و حتی از سنخ معانی الفاظ که به آن دلالت می کند، نیست. (همان: ص ۵۴) و حقیقت قرآن در روز قیامت ظهور و بروز می یابد و در آن روز حقیقت همه آن معارفی که انبیا آورده اند، ظاهر می شود. (همان: ۲۴/۳)

آیت الله معرفت در توضیح و جمع بندی دیدگاه علامه درباره تأویل می نویسد: «تأویل قرآن از دیدگاه علامه اولاً حقیقتی است که سرمنشأ معارف قرآن گردیده است. ثانیاً رابطه تأویل با آن کلام، رابطه مورد مثال، با مثالی است که آورده شده است. ثالثاً: این رابطه همان رابطه ای است که میان باطن - حقیقه الشئ - و ظاهر - نقش و کالبد - وجود دارد. علامه برای قرآن، وجودی دیگر، جز وجود لفظی و کتبی قائل می باشد، که حقیقت واقعی قرآن به آن بسته است، و آن همانند روح در کالبد است. وهم او است که در شب قدر یک جا بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل گردیده است.» (معرفت، ۱۳۷۹:

(۱۷)



۴. تأویل از منظر علامه جوادی آملی

ایشان «تأویل» را تنها مخصوص خدا یا خدا و راسخان در علم می‌داند و می‌فرماید: تأویل، مرحله وجود خارجی است و راه رسیدن به آن نیز ادراک معانی آیات است، از این رو محکّمات، تأویل متشابهات نیستند، بلکه مفسّر آن هابند و تأویل، تنها برای متشابهات نیست، بلکه تمامی قرآن کریم «تأویل» دارد. (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۳/۱۶۴-۱۶۳)

ایشان درباره تأویل و معنای آن در آیه ۷ آل عمران می‌نویسد: «تأویل» در این آیه دو بار آمده است و هر دو معرفه اند نه نکره، و تعریف آن‌ها به ضمیر است. و این که به جای ضمیر، اسم ظاهر آورده است، نشانه‌ی تعدد معنای تأویل در آیه شریفه است؛ یعنی تأویل دوم غیر از تأویل اول است؛ تأویل اول، تأویل متشابه و تأویل دوم، تأویل کتاب است. بنابراین تأویل کتاب، غیر از تأویل متشابه است و همه قرآن، اعم از محکم و متشابه، دارای تأویل است و حدیث امام محمد باقر علیه السلام: «قلت لأبی جعفر علیه السلام قول الله «وما يعلم تأویله إلا الله والراسخون فی العلم» قال: یعنی تأویل القرآن کله» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۱۶۴) تأویل مجموع قرآن را تأیید می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۳/۱۶۲)

۱.۴ کاربرد تأویل در آیات قرآن

علامه جوادی آملی در این باره می‌فرماید: بیشتر کاربردهای تأویل در قرآن ناظر به حوزه لفظ، مفهوم و معنا، تفسیر و تبیین قلمرو دلالت و مانند آن نیست، بلکه درباره ارجاع به واقعیت عینی اعم از دنیا و آخرت است:

۱. آیه «ذلک خیر وأحسن تأویلا؛ این برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.» (نساء/۵۹) این آیه درباره‌ی پایان خارجی اطاعت از خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و اولوا الامر و بازگرداندن مورد تنازع به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است که مطلبی عینی است، نه علمی. (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۳/۱۶۱) و اطاعت از خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و نیز رجوع به کتاب خدا و سنت نبوی در صورت تنازع، برای مؤمنان خیر و خوش عاقبت است. (همان: ۲۷۰/۱۹)

۲. آیه «هل ينظرون إلا تأويله يوم يأتي تأويله؛ آیا آنها جز انتظار تأویل آیات دارند؟ آن روز که تأویل آنها فرا رسد.» (اعراف/ ۵۳) قرآن کریم تنها دربر دارنده سلسله ای از معارف حصولی محض نیست، بلکه از واقعیت هایی گزارش می دهد که در قیامت می آیند. در دنیا هرچه درباره قرآن گفته، خوانده و نوشته شود، در محدوده تفسیر مفهومی است؛ اما مصداق حقیقی و عین خارجی آن، یعنی تأویل قرآن، در قیامت خواهد آمد. (ر.ک؛ جوادی آملی، ۲۸: ۱۳۹۲/ ۴۶-۴۵) و (همان: ۲۹/ ۷۰)

۳. آیه «بل كذبوا بما لم يحيطوا بعلمه ولما يأتهم تأويله؛ بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است.» (یونس/ ۳۹) تفسیر مفهومی منظور نیست، بلکه ناظر به تحقق عینی گزارش های قرآنی است. (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۳/ ۱۶۱) معارف قرآن از حقایق و واقعیاتی خارجی ریشه گرفته اند؛ یا از آن ها خبر می دهند. این حقایق، از سنخ لفظ یا مفهوم نیستند، تا مانند تنزیل قرآن، تفسیر ظاهری و باطنی داشته باشند، بلکه از سنخ عین اند که با مصداق خارجی سر و کار دارند، پس روزی ظهور می کنند و در خارج تحقق می یابند که همان روز قیامت است. (همان: ۳۶/ ۵۲۸)

۴. آیه «ياأبت هذا تأويل رؤيائ من قبل؛ پدر! این تعبیر خوابی است که قبلاً دیدم» (یوسف/ ۱۰۰) و آیات «نبئنا بتأويله إنا نرىك من المحسنين * قال لا يأتیکما طعام ترزقانه إلا نبأکما بتأويله قبل أن يأتیکما؛» (همان: ۳۷-۳۶) ما را از تعبیر این خواب آگاه کن که تو را از نیکوکاران می بینیم. گفت: «پیش از آنکه جیره غذایی شما فرا رسد، شما را از تعبیر خوابتان آگاه خواهم ساخت. درباره ی تبیین رخداد آینده است و آن، امری عینی است نه علمی و با این قرینه تعبیرهای دیگری که در سوره یوسف از تأویل شده است، به معنای ارجاع به امر خارجی است نه ذهنی و مفهومی. (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۳/ ۱۶۲)

۵. آیه «وأوفوا الكيل إذا کلتم وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر وأحسن تأویلا؛ و هنگامی که پیمانانه می کنید، حق پیمانانه را ادا نمایید، و با ترازوی درست وزن کنید! این برای شما بهتر، و عاقبتش نیکوتر است.» (اسراء/ ۳۵) درباره جریان خارجی است نه ذهنی. (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۳/ ۱۶۲) تأویل در این آیه به این معناست که بازگشت و بازده خارجی این عمل (ایفای کیل و وزن کردن با ترازوی عدل) خوب است؛ نظیر «خیر مردا؛ و عاقبتش خوبتر است.» (مریم ۷۶) و «خیر عقبا؛ بهترین عاقبت



را دارد.» (کَهف / ۴۴) یعنی فرجامش (پایان مصداقی آن) نیکوست. (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۴۸ /

۵۶۸)

۶. آیه «سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا؛ اما به زودی راز آن چه را که نتوانستی در برابر آن صبر کنی، به تو خیر می‌دهم» (کَهف / ۷۸) و آیه «ذَلِكِ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا؛ این بود راز کارهایی که نتوانستی در برابر آن‌ها شکیبایی به خرج دهی» (کَهف / ۸۲) بیانگر رخدادی عینی است نه ذهنی. (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۳/۱۶۲) تأویل و ارجاع در آیه شریفه درباره تحلیل و تعلیل یک جریان خارجی پوشیده است و با این ارجاع راز آن روشن می‌گردد و در این جا آن چه روشن شد، نه معنای لفظ است و نه مصداق آن؛ بلکه حکمت و سرّ شیء خارجی است. (همان، ۱۳۸۶: / ۳۳)

در این شش سوره که به روشنی از تأویل سخن به میان آمده است، همه ناظر به تحقق عینی قول، فعل یا رؤیاست و هیچ یک درباره تفسیر مفهومی یا ترجیح احتمال مرجوح بر راجح و مانند آن نیست. (همان، ۱۳۸۹: ۱۳/۱۶۲)

۲،۴. تأویل قرآن در قیامت

همان طور که در بحث‌های گذشته مطرح شد، کل قرآن دارای تأویل است. اگر انسان از موضوعی خبر دهد، «مخبر عنه» آن واقعیتی است که این خبر به آن تکیه دارد؛ چنانچه مطلبی را انشا کند، سند انشای او، حقیقتی است که بازگشت این انشا به آن حقیقت است. قرآن مجید هم که مجموعه‌ای از خبرها و انشاهاست، حقیقتی به نام «تأویل» دارد که تکیه‌گاه آن هاست و آن حقیقت به شکل کامل در قیامت ظهور می‌کند. (همان، ۱۳۹۲: ۲۹/۷۲) علامه جوادی آملی معتقدند؛ تأویل قرآن، تحقق خارجی آن است که در دنیا به گونه نسبی و در قیامت به صورت تام و جامع ظهور می‌کند. «هل ينظرون إلا تأويله يوم يأتي تأويله؛ آیا آن‌ها جز انتظار تأویل آیات دارند؟ آن روز که تأویل آن‌ها فرا رسد.» (اعراف / ۵۳). تأویل در این آیه به معنای تفسیر ظاهری یا باطنی قرآن نیست، چون این گونه معارف در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان شده است و منکران هم منتظر تأویل به معنای بیان تفسیری آن‌ها نبوده و نیستند، بلکه آن‌ها در انتظار تمثّل و تحقق حقیقی و خارجی قرآن کریم می

باشند، از این رو خداوند متعال در مقام تهدید منکران آیات الهی می‌فرماید: باید منتظر آمدن تأویل کتاب (قرآن) باشند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۰ / ۳۱۲)

معارف گسترده قرآن کریم در قیامت به گونه ای ظهور می‌کند که زمینه اختلاف در هیچ امری باقی نمی‌ماند. و بطلان همه مکاتب روشن می‌شود و مکتب حق ظاهر می‌گردد؛ ظهور همه معارف قرآن و همه ابعاد دین در قیامت همان است که در قرآن کریم با تعبیر «توفیه دین» مطرح شده است: «یومئذ یوفیهم الله دینهم الحق ویعلمون أن الله هو الحق المبین؛ «آن روز، خداوند جزای واقعی آنان را بی‌کم و کاست می‌دهد؛ و می‌دانند که خداوند حق آشکار است.» (نور/۲۵) توفیه دین حق، آشکار کردن همه اسرار درون دین بر همگان است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱ / ۴۱۰)

البته حقیقت قرآن، پیش از برپایی قیامت نیز در «کتاب مبین» و «ام‌الکتاب» بوده و هست و نفس قدسی و ملکوتی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آن را با القای الهی تلقی کرده؛ «وإنک لتلقى القرآن من لدن حکیم علیم؛ به یقین این قرآن از سوی حکیم و دانایی بر تو القا می‌شود.» (نمل/۶) و این حقیقت، در دنیا به صورت وحی الهی بر آن حضرت نازل شده است و از آن به «تنزیل قرآن در قوس نزول» تعبیر می‌شود و حقیقت همین کتاب کریم است که در قوس صعود و بازگشت جامعه انسانی به لقاء الله، در برزخ و قیامت ظهور می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۹ / ۷۲)

بنابراین وجود تأویلی قرآن که بازگشت خبرها و احکام انشایی قرآن لفظی و کتبی به آن حقیقت است، برپایه برخی روایات، بخشی از آن در همین دنیا و در زمان حضور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه ظهور می‌کند و بعضی دیگر در برزخ؛ ولی تمام آن به صورت کامل، که عین وجود خارجی قرآن است، در قیامت ظهور می‌کند. (همان: ص ۷۳-۷۲ و ۱۳/۱۷۹-۱۷۷)

۳،۴. دیدگاه علامه جوادی آملی درباره تأویل

قرآن کریم علاوه بر این که تمامی علوم و معارف را دربردارد و از دیدگاه تفسیری و الفاظ و مفاهیم، از آن استفاده ادبی و اصولی و فقهی و کلامی و فلسفی و عرفانی می‌شود، دارای «تأویل» نیز هست که هرگز با لغت و ادبیات و فقه و اصول و مانند این‌ها به دست نمی‌آید. (همان: ۱۳ / ۱۷۴)



علامه جوادی آملی درباره معنای «تأویل» با توجه به ریشه لغوی آن که از «أول» به معنای رجوع است، می‌فرماید: تأویل از سنخ لفظ و مفهوم و ارجاع لفظ به معنا، و یا تطبیق مفهوم به مصداق نیست، بلکه پیوند مثال با ممثل است. تطبیق مفهوم بر مصداق، غیر از تأویل قول، فعل یا رؤیاست، زیرا موجود خارجی که مورد تأویل امور یاد شده است، هرگز مصداق چیزی نیست که بر آن به یکی از انواع دلالت های مطابقی، تضمینی و التزامی دلالت کند؛ مثلاً یازده فرزند حضرت یعقوب هرگز مصداق یازده ستاره نبودند و پدر و مادر آنان مصداق شمس و قمر نبودند و ریشه تأویل و فروع برخاسته از آن اصل، کاملاً از جریان تطبیق مفهوم خاص بر مصداق خارجی خود جدا است. «تأویل» که تنها مخصوص خدا یا خدا و راسخان در علم است، مرحله وجود خارجی است و راه رسیدن به آن نیز ادراک معانی آیات است، از این رو محکّمات، تأویل متشابهات نیستند، بلکه مفسّر آن هابند و تأویل، تنها برای متشابهات نیست، بلکه تمامی قرآن کریم «تأویل» دارد. (همان، ۱۳۸۹: ۱۳ / ۱۶۴-۱۶۳ و ۱۳۸۸: ۱ / ۴۲۴-۴۲۲) بنابراین تفسیر از سنخ لفظ و معنا و صورت ذهنی و علم است، (حتی تفسیر به باطن)؛ اما تأویل، عاقبت و وجود عینی و خارجی این مفاهیم است، براین اساس، عالمان تأویل، کسانی هستند که از حقیقت خارجی موضوع یا حادثه ای آگاه باشند؛ نظیر کسی که از راه علم الهی به عاقبت امور داناست و همان گونه که معنای علم به عاقبت امور این نیست که عاقبت از سنخ مفاهیم است، علم به تأویل نیز به این معنا نیست که تأویل از سنخ لفظ و معناست. (همان، ۱۳۹۲: ۲۹ / ۷۰ و ۱۳۸۸: ۱۴۵)

بنابراین لفظ تأویل، به معنای حقیقتی است که در خواب یا بیداری، در قالب صورتی درمی آید و آن حقیقت، همان تأویل است و آن صورت، دارای تأویل است. آیات فراوانی در قرآن، بهشت را دو گونه «جنّة اللقاء» و «جنّات حسی ظاهری» می‌دانند که فهمیدن هر دو قسم، به ویژه جنّات حسی؛ «جنّات تجری من تحتها الأنهار» وارد باغهایی از بهشت می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است. (محمد / ۱۲) آسان است؛ اما فهمیدن «مثل الجنة التي وعد المتقون تجری من تحتها الأنهار أكلها دائم؛ توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، نهرهای آب از زیر درختانش جاری است، میوه آن همیشگی.» (رعد / ۳۵) دشوار است؛ زیرا در این آیه سخن از مثل بهشت است، پس خود بهشت یا «تأویل» و «ممثل» این مثل، چیز دیگری است که فهمش مقدر هر کسی نیست. (ر.ک؛ جوادی

آملی، ۱۳۸۹: ج ۱ / ۱۷۴ و ۱ / ۴۲۰ / ۱۳۸۸)

ایشان درباره اسناد تأویل بر قرآن می‌فرماید: «استاد، علامه طباطبایی (قدس سره) وصف آیات قرآنی «به داشتن تأویل» را، «اسناد الی غیر ما هو له» یا «وصف به حال متعلق موصوف» می‌دانند و می‌فرمایند: وجودهای خارجی، تأویل دارند نه الفاظ آیات. اما با دقت در معنای «تنزیل» و بررسی موارد آن در قرآن کریم، روشن می‌شود که هم اطلاق «تنزیل» بر قرآن، از قبیل «اسناد الی ما هو له» و «وصف به حال خود موصوف» است و هم کاربرد «تأویل». قرآن کریم می‌فرماید: «تنزیل من رب العالمین؛ آن از سوی پروردگار عالمیان نازل شده است.» (واقعۀ ۸۰/۸) «والکتاب المبین * إنا جعلناه قرءانا عربیا لعلکم تعقلون * وإنه فی أم الكتاب لدینا لعلی حکیم؛ سوگند به کتاب مبین، که ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما درک کنید! و آن در «أم الكتاب» [لوح محفوظ] نزد ما بلندپایه و استوار است.» (زخرف/ ۲-۴) کتاب خدا که در دسترس بشر است، مرحله نازل قرآن کریم و مربوط به عالم طبیعت است. بر این اساس، اطلاق «تنزیل» بر قرآن کریم، از آن جهت «اسناد الی ما هو له» و حقیقت است که رابطه این صورت لفظی و آن وجود عینی و حقیقی که در «أم الكتاب» است، «حقیقت» و «رقیقت» است؛ یعنی آنچه در عالم طبیعت است، رقیقه آن حقیقت است و همین پیوند می‌تواند مصحح حمل یکی بر دیگری باشد؛ مانند این‌که انسان مطلبی را در اندیشه اش می‌پروراند و سپس همان را با زبان بیان می‌کند. او همان مطلب علمی ذهنی خود را منتقل کرده است؛ ولی آن مطلب، همچنان در ذهن او هست و تنها صورتی لفظی پدید آمده است که رقیقه آن وجود حقیقی است. بنابراین همان گونه که اطلاق «تنزیل» بر قرآن صحیح و «اسناد الی ما هو له» است، اطلاق «دارای تأویل بودن» نیز بر قرآن صحیح است و به عبارت دیگر، قرآن دارای تأویل است، زیرا معانی قرآن و آنچه حاکی از قرآن است، «تأویل» دارد. (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۳/۱۷۹-۱۷۸) بنابراین قرآن کریم علاوه بر ظاهر و باطن، تأویل نیز دارد که همان «ام الكتاب» است. که از مبدأ غیبی و از اسمای حسناى ذات اقدس اله تنزل یافته است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ترقی به مقام لُدُن و عقل محض، حقیقت قرآن و ام الكتاب را از نزد خدای سبحان تلقی نموده است.» (همان، ۱۳۸۸: ۴۳/۱)

ایشان در تبیین معنای تأویل و تفاوت تعبیر خواب و تأویل آن می‌فرمایند: تعبیر رؤیا به عالم الفاظ و مفاهیم ارتباط دارد، اما تأویل رؤیا محقق شدن آن در بیرون است، بنابراین «تأویل» وجود خارجی رؤیاست و «تعبیر» صورت مفهومی آن می‌باشد، هرچند قرآن کریم گاهی «تأویل» را مرادف «تعبیر» هم به کار برده است؛ در شرح زندانی شدن یوسف علیه السلام؛ دو زندانی از ایشان تأویل رؤیای خود را



خواستند و حضرت فرمود که پیش از آن که طعامی برای شما بیاورند، تأویل رؤیای شما را می‌گویم: « قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلا نبأتکما بتأویله؛ گفت: «پیش از آن که جیره غذایی شما فرا رسد، شما را از تعبیر خوابتان آگاه خواهم ساخت. « (یوسف/ ۳۷) فرمود که یکی از شما دو نفر آزاد و ساقی دربار می‌گردد و آن دیگری به دار آویخته خواهد شد. این بیان در حقیقت، «تعبیر» است که «تأویل» نامیده شده است، زیرا جریان آن دو زندانی هنوز در مرحله الفاظ و صور ذهنی بوده و در خارج رخ نداده است. پس «تأویل» که حقیقت خارجی و عینی است، گاهی مرادف «تعبیر» آمده است که از مقوله الفاظ و مفاهیم ذهنی است. بنابراین، وقتی گفته می‌شود که همه قرآن تأویل دارد، این تأویل، ممکن است هم یک سلسله معانی ذهنی باشد که مفاهیم قرآن به آن‌ها برمی‌گردد و هم وجودی عینی و خارجی باشد که قرآن کریم در قیامت در آن حقیقت، ظهور می‌کند؛ این دو معنای تأویل قابل جمعند و یکدیگر را نفی نمی‌کنند. پس تأویل که از «أول» و رجوع است، می‌تواند به معنای ارجاع مفهوم به مفهوم دیگر باشد و هم به معنای ارجاع مفهوم به عین خارجی و نیز ارجاع مثال به مُثَل باشد. (رک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۷۵/۱۳-۱۷۷ و همان، ۱۳۸۸: ۱/۴۵۲)

نتیجه آن که از دیدگاه علامه جوادی آملی، تأویل قرآن با تأویل متشابه فرق دارد؛ تأویل تمام قرآن هم به معنای ارجاع مفهوم به مفهوم دیگر باشد و هم به معنای ارجاع مفهوم به عین خارجی و هم ارجاع مثال به مُثَل باشد. و تأویل آن در دنیا مخصوص خدا و راسخان در علم است و به نحو تام آن در قیامت برای همه ظهور می‌یابد. اما تأویل متشابهات همان حقیقت عینی است و از سنخ مفهوم و لفظ نمی‌باشد.

۵. وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه علامه طباطبائی و علامه جوادی آملی

واژه تأویل در اصل از «أول» به معنای ارجاع و بازگرداندن است و در اصطلاح حقیقت عینی خارجی است که آیات قرآن به آن باز می‌گردد. پس از بیان نظرات علامه طباطبائی و علامه جوادی آملی درباره تأویل و کاربرد آن در آیات قرآن وجوه اشتراک و افتراق این دو دیدگاه بررسی می‌شود:

۱،۵. وجوه اشتراک

جمع بندی دیدگاه ایشان این است که از کاربرد تأویل در آیات قرآن کریم به دست می‌آید؛ تأویل از سنخ لفظ و مفهوم و ارجاع لفظ به معنا، و یا تطبیق مفهوم به مصداق نیست، بلکه حقیقت خارجی و عینی است، که بیانات قرآن کریم از قبیل احکام و حکمت‌ها و موعظه‌ها مستند به آن است. و رابطه تأویل با آن کلام، رابطه مورد مثال، با مثالی است که آورده شده است. و همانند روح در کالبد است. و همان است که در شب قدر یک جا بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل گردیده است. بنابراین قرآن کریم علاوه بر ظاهر و باطن، تأویل نیز دارد که همان «ام الکتاب» است که از مبدأ غیبی و از اسمای حسنی الهی تنزل یافته است. از نظر ایشان تمام قرآن تأویل دارد.

۲،۵. وجوه افتراق

علامه طباطبایی وصف آیات قرآنی «به داشتن تأویل» را، «اسناد الی غیر ما هو له» یا «وصف به حال متعلق موصوف» می‌داند و می‌فرماید: وجودهای خارجی، تأویل دارند نه الفاظ آیات. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷/۳) اما علامه جوادی آملی می‌فرماید: با دقت در معنای «تنزیل» و بررسی موارد آن در قرآن کریم، روشن می‌شود که هم اطلاق «تنزیل» بر قرآن، از قبیل «اسناد الی ما هو له» و «وصف به حال خود موصوف» است و هم کاربرد «تأویل». (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۳/۱۷۹-۱۷۸)

همچنین علامه طباطبایی می‌فرماید: همه قرآن تأویل دارد و ظرف ظهور آن روز قیامت است و در آن روز است که حقیقت همه ی معارفی که انبیا آورده اند؛ ظاهر می‌شود. (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۲۴-۲۳)

اما علامه جوادی آملی بین تأویل متشابهات و تأویل قرآن فرق قائل می‌شوند. ایشان تأویل متشابهات را به معنای حقیقت عینی خارجی می‌دانند؛ ولی تأویل تمام قرآن، هم به معنای ارجاع مفهوم به مفهوم دیگر باشد و هم به معنای ارجاع مفهوم به عین خارجی و هم ارجاع مثال به مُثَل باشد. و می‌فرماید: سراسر قرآن، چه محکّمات آن و چه متشابهاتش تأویل و حقیقتی عینی دارند که از آن به «امّ الكتاب»، «کتاب مکنون»، «لوح محفوظ»، «عندالله»، و «لدی الله» یاد شده و دست یابی به این مقام رفیع، تنها در اختیار راسخان در علم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/۴۲۴) و برپایه برخی روایات، بخشی از آن در همین دنیا و در زمان حضور حضرت ولی عصر عجل الله



تعالی فرجه ظهور می کند و بعضی دیگر در برزخ؛ ولی تمام آن به صورت کامل، که عین وجود خارجی قرآن است، در قیامت ظهور می کند. (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۹ / ۷۳-۷۲)

بررسی تطبیقی تأویل از دیدگاه علامه طباطبائی و علامه جوادی آملی



three period

The six number

Spring & Summer

2021

۶. نتیجه گیری

براساس دیدگاه علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی، «تأویل» از سنخ لفظ و مفهوم و ارجاع لفظ به معنا، و یا تطبیق مفهوم به مصداق نیست، بلکه حقیقت خارجی و عینی است، که سرمنشأ معارف قرآن است. و رابطه تأویل با آن کلام، رابطه مورد مثال، با مثالی است که آورده شده است. و همانند روح در کالبد است. و همان است که در شب قدر یک جا بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل گردیده است. بنابراین قرآن کریم علاوه بر ظاهر و باطن، تأویل نیز دارد که همان «ام الكتاب» است که از مبدأ غیبی و از اسمای حسناى الهی تنزل یافته است. همچنین به نظر ایشان تنها آیات متشابه، تأویل ندارند و تمام قرآن دارای تأویل است. از نظر علامه طباطبایی ظرف ظهور حقیقت قرآن و تأویل آن روز قیامت است؛ ولی از نظر علامه جوادی آملی ظرف ظهور آن همین دنیا است و فقط راسخان در علم به آن دسترسی دارند و ظهور تام و کامل آن برای همگان روز قیامت است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع:

- قرآن کریم
- ابن تیمیه، تقی الدین احمد (۱۳۲۸): «الإکلیل فی المتشابه و التأویل»، اسکندریه: دارالایمان، بی چا
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴): «لسان العرب»، بیروت: دار صادر، سوم
- الأزهری، محمد بن أحمد (بی سال): «تهذیب اللغة» ج ۱۵، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی چا
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹): «تفسیر تسنیم ج ۱۰»، سعید بند علی، قم: اسراء، سوم
- همان، (۱۳۸۹): «تفسیر تسنیم ج ۱۳»، عبدالکریم عابدینی، سوم
- همان، (۱۳۸۹): «تفسیر تسنیم ج ۱۹»، سعید بند علی و عباس رحیمیان محقق، قم: اسراء، دوم
- همان، (۱۳۹۲): «تفسیر تسنیم ج ۲۸»، حسین شفیعی، قم: اسراء، اول
- همان، (۱۳۹۲): «تفسیر تسنیم ج ۲۹»، روح الله رزقی، قم: اسراء، اول
- همان، (۱۳۹۴): «تفسیر تسنیم ج ۳۶»، محمد صفایی، قم: اسراء، اول
- همان، (۱۳۹۸): «تفسیر تسنیم ج ۴۸»، روح الله رزقی قم: اسراء، اول
- همان، (۱۳۸۸): «شمس الوحی تبریزی»، علیرضا روغنی موفق، قم: اسراء، پنجم
- همان، (۱۳۸۶): «سرچشمه اندیشه»، عباس رحیمیان محقق، قم: اسراء، پنجم
- همان، (۱۳۸۸): «تفسیر موضوعی قرآن در قرآن» ج ۱، محمد محرابی، قم: اسراء، هشتم
- ذهبی، محمد حسین (۱۳۹۶): «التفسیر و المفسرون»، بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، بی چا

- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو، سوم
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰): «کتاب التفسیر (تفسیر عیاشی)»، سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه، اول
- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱): «قاموس قرآن»، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ششم
- مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰): «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، بیروت- لندن- قاهره: دار الکتب العلمیه- مرک ۳۳ نشر آثار علامه مصطفوی، سوم
- معرفت، محمد هادی (۱۴۲۶): «تلخیص التمهید»، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، پنجم
- همان (۱۳۷۹): «تأویل از دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»، قسبات، ۱۷

Resources:

- Holy Quran
- Ibn Taymiyyah, Taqi al-Din Ahmad (1328): "Al-Iklil fi al-Mutshabaab wa Ta'awil", Alexandria: Dar al-Alayman, Bicha
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1414): "Languages of the Arabs", Beirut: Dar Sadir, III
- Al-Azhari, Muhammad bin Ahmed (bi-sal): "Tahdeeb al-Laghha" Vol. 15, Beirut: Dar Ihiya al-Turath al-Arabi, bicha
- Javadi Amoli, Abdullah (2009): "Tafseer Tasnim Vol. 10", Saeed Band Ali, Qom: Israa, III
- The same, (1389): "Tafseer Tasnim Vol. 13", Abdul Karim Abedini, third
- The same, (1389): "Tafsir Tasnim Vol. 19", Saeed Band Ali and Abbas Rahimian Mohaghegh, Qom: Israa, II
- The same, (2012): "Tafsir Tasnim Vol. 28", Hossein Shafi'i, Qom: Isra'a, I



- The same, (1392): "Tafseer Tasnim Vol. 29", Ruhollah Rizki, Qom: Isra'a, I
- The same (2014): "Tafseer Tasnim Vol. 36", Mohammad Safaei, Qom: Isra'a, 11. The same (2018): "Tafseer Tasnim Vol. 48", Ruhollah Rizki Qom: Isra'a, I
- The same (1388): "Shams al-Wahi Tabrizi", Alireza Roghani Mawafaq, Qom: Israa, 5th
- The same (1386): "The Source of Thought", Abbas Rahimian Mohaghegh, Qom: Israa, 5th
- The same (1388): "Thematic Commentary (Quran in the Qur'an) Volume 1", Mohammad Mehrabi, Qom: Isra'a, 8th
- Dhahabi, Mohammad Hossein (2016): "Al-Tafsir and Al-Mafsirun", Beirut-Lebanon: Dar Ihiya Al-Turath Al-Arabi, Bicha
- Tabatabayi, Seyyed Muhammad Hossein (1417): "Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an", Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society of Teachers, 5th
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (1372): "The Assembly of the Bayan in Tafsir al-Qur'an", Tehran: Nasser Khosrow Publications, III
- Ayashi, Mohammad Bin Masoud (1380): "Kitab al-Tafsir (Tafsir Ayashi)", Seyyed Hashem Rasouli Mahalati, Tehran: Academic Press, 1
- Qurashi, Seyyed Ali Akbar, (1371): "Qur'an Dictionary", Tehran: Dar al-Kutub Islami, 6th
- Mustafawi, Hassan, (1430): "Investigation in the Words of the Holy Qur'an", Beirut-London-Cairo: Dar al-Kutub Al-Elamiya - Allameh Mustafawi's Works Publishing Center, III
- Marafet, Muhammad Hadi (1426): "Talkhis al-Tamhid", Qom: Al-Nashar al-Islami Institute, 5th
- The same (1379): "Tawil from the point of view of Allameh Tabatabai in Tafsir al-Mizan", Qobsat, 17

three period

The six number

Spring & Summer

2021